

تحلیل آسیب‌شناسی مدیریت محلی در روستاهای شهرستان رضوانشهر در دو دهه اخیر

فرزاد امدادی صومعه‌سرایبی^۱، تیمور آمار^{۲*}، محمد باسط قریشی^۳

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
۲. دانشیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
۳. استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

* نویسنده مسئول، Email: amar@iaurasht.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴ شهریور ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۲۳ فروردین ۱۴۰۱

چکیده

مقدمه: نظام ساختاری عملکردی کنونی مدیریت روستایی کشور، گویای این است که مدیریت روستایی با وجود نهادسازی و استقرار نهاد دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی، همواره با نگاهی بالا به پایین، با روستا و روستاییان روبه‌رو شده و مردم در هیچ سطحی از فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه‌ی سرزمین خود دخالت و مشارکت داده نمی‌شوند. مدیریت روستایی در واقع، فرآیند سازماندهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست.

هدف: مطالعه حاضر به شناسایی آسیب‌ها و چالش‌های موجود مدیریت محلی (دهیاران) در روستاهای شهرستان رضوانشهر در دو دهه اخیر می‌پردازد.

روش‌شناسی: نوع تحقیق کاربردی و روش آن پیمایشی است که اطلاعات میدانی آن از طریق پرسشنامه مخصوص اعضای شورای اسلامی، دهیاران و مردم جمع‌آوری گردید. جامعه آماری تحقیق شامل ۳ گروه روسا و اعضای شورای اسلامی، دهیاران و مردم بوده که به ترتیب ۱۹۶، ۷۵ و ۳۸۰ نفر جمعیت را در بر می‌گیرد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: روستاهای شهرستان رضوانشهر بعنوان قلمرو جغرافیایی تحقیق می‌باشد.

یافته‌ها و بحث: در ابعاد مختلف، چالش‌ها و آسیب‌هایی را در مدیریت روستایی شهرستان رضوانشهر، می‌توان دید که به ترتیب اهمیت عبارتند از: عوامل زیست‌محیطی، اداری - سازمانی، حقوقی، عمرانی و اجتماعی - فرهنگی.

نتیجه‌گیری: مدیریت توسعه در روستاهای شهرستان رضوانشهر دارای موانعی است که لازم است مورد بازنگری برنامه‌ریزان توسعه قرار گیرد و در جهت رفع آن در هر یک از بخش‌ها تدابیری لحاظ گردد.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی، مدیریت محلی، چالش مدیران، روستا، شهرستان رضوانشهر.

مقدمه

مدیریت محلی یا روستایی نقش بسزایی در آبادانی و توسعه یک روستا دارد. بررسی مدیریت روستایی در ایران نشان می‌دهد تحولات زیادی در این زمینه رخ داده است و مدیریت روستایی محلی همواره، فرازونشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است (ملکان، ۱۳۹۰: ۷) آنچه درزمینه‌ی مدیریت روستایی مهم است، اثر تفاوت‌های روستایی و نقش این تفاوت‌ها بر برنامه‌ریزی توسعه روستاییست؛ از این رو مدیریت روستایی از ارکان جدانشدنی توسعه روستایی است (بدری، ۱۳۹۰: ۱۴۷). مناطق باید سبک توسعه ویژه خود را پایه‌ریزی کنند و سامانه‌های جدید مدیریتی نباید روشی یکپارچه را در مجموعه روستاها ارایه دهند (Kerr ۱۹۹۴: ۲۰۲)؛ بنابراین، در حال حاضر، سامانه‌ی مدیریت روستایی در ایران نیز باید برپایه‌ی شرایط مناطق، با مشارکت نهادهای مردمی و با حمایت بخش‌های خصوصی و دولتی انجام شود. در واقع، پیشرفت، متکی به حضور و مشارکت قانونمند همه مردم در برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عمرانی کشور است. در این راستا تشکیل شوراهای اسلامی و در ادامه آن دهیاری‌ها، می‌تواند برای مدیریت مشارکتی در ایران درخور توجه باشد. این گسترش، باوجود شکل‌گیری مدیریت شورایی و اجرایی و اندیشه مشارکت در همه ابعاد زندگی، هنوز عملی نشده است (زیاری، ۱۳۸۴: ۲۰). براین اساس، دهیاری‌ها که نهاد اجرایی و شوراهای اسلامی که نهاد مشورتی و همیار با دهیاری‌ها هستند، در دو دهه گذشته، تحولاتی را در انجام وظایف به وجود آورده‌اند که این تغییرات در راستای مدیریت و توسعه نواحی روستایی بوده است. در این راستا از زمانی که به توسعه روستایی توجه شد، درکنار آن مدیریت روستایی نیز مورد نظر برنامه ریزان و صاحب نظران قرار گرفت. موضوع مدیریت روستایی در ایران طی چند دهه گذشته و شاید در یک صد سال اخیر در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یکی از مهمترین و حساسترین چالشهای پیشروی برنامه ریزان و کارشناسان بوده است. (ریاحی، ۱۳۹۹، ۶۶) روستاهای ایران از زمان‌های گذشته تا به امروز با مشکلات بسیار زیادی روبه رو بوده -

اند که از جمله آن میتوان به عدم توجه مدیریت پایدار در روستاها اشاره کرد که خود زمینه ساز ایجاد مسایل و چالشهایی نظیر: مهاجرت روستاییان به شهر، عدم مشارکت مردمی در فعالیت‌ها، برنامه‌ریزی‌های دستوری، بیکاری جوانان و غیره بوده است، در این راستا وجود مدیریت محلی (دهیار) برای برقراری امور و سازماندهی برنامه یا چارچوب مشخص که به بررسی و شناسایی مشکلات روستا و اتخاذ بهترین راه حل ممکن برای رفع آنها می پردازد ضروری به نظر می‌رسد (ریاحی، ۱۳۹۹، ۶۸). بنابر این در این مقاله به آسیب‌شناسی مدیریت محلی پرداخته و چالش‌ها و موانع موجود در این زمینه را شناسایی و راهکارهایی برای آن ارایه دهد و به این سوال پاسخ دهد که چالش‌های موجود مدیریت محلی در دو دهه اخیر در شهرستان رضوانشهر کدامند؟ با توجه به اینکه رضوانشهر در غرب استان گیلان قرار دارد و مناطق روستایی آن در سه سطح ارتفاعی پراکنده هستند و همچنین مناطق کوهستانی با مشکلات بیشتری نسبت به مناطق جلگه ای برخوردار هستند و در حال حاضر ۱۲۰ روستا دارای دهیاری تمام وقت و نیمه وقت هستند و چالش‌ها و موانع موجود در این زمینه را شناسایی و راهکارهایی برای آن ارایه دهد و به این سوالات پاسخ دهد که چالش‌های موجود مدیریت محلی در دو دهه اخیر در شهرستان رضوانشهر کدامند؟ و چه عواملی سبب بروز چالش‌ها و آسیب‌های موجود شده است؟

در رابطه با موضوع تحقیق می‌توان به مطالعات انجام شده زیر اشاره نمود .

گراهام ۱۹۸۳ در پژوهشی با عنوان بررسی کارآیی سیستم مدیریت مشارکتی به این نتیجه دست یافت که به کارگیری نظام مدیریت مشارکتی در سازمان تأثیرات پایداری بر نگرش کارکنان دارد که این امر منجر به افزایش بهره‌وری در سازمان می‌گردد. کلایبورن و همکاران ۱۹۸۵ در مطالعات خود درباره مدیریت مشارکتی بدین نتیجه رسیدند که اگرچه بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که مدیریت مشارکتی مزیت‌های بسیاری برای اعضا دارد، اما بستگی زیادی به سطح توانایی اعضا، وجود زمان مورد نیاز، ماهیت کار و رویکرد اقتضایی دارد. لیل کازمی‌پور چینبجان در سال ۱۳۸۵ در پایان نامه خود که به نقش مدیریت محلی (دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی) روستاها در توسعه روستایی شهرستان رودسر پرداخته است، به این نکات اشاره نموده که توسعه و عمران روستاها و فراهم ساختن

زندگی آرام و بدون کمبود در روستاها بستگی به شایستگی مدیریت دارد. حسین ایمانی جاجرمی و سیداحمد فیروزآبادی در سال ۱۳۸۶ پژوهشی تحت عنوان بررسی مدل‌های سنجش عملکرد مدیریت محلی با تأکید بر سازمان‌های مدیریت شهری و روستایی در ایران انجام دادند. محققان اظهار نمودند که مدیریت محلی به عنوان نهاد سیاست‌گذار و مجری برنامه‌ها و پروژه‌های شهر و روستا نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و ارتقا وضعیت توسعه دارد. رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با موضوع نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار به تعاریف مختلف توسعه و مدیریت روستایی پرداخته و سپس مدیریت روستایی را از ابعاد مختلف توسعه پایدار از جمله بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مورد بحث قرار داده است و در نهایت نتیجه، بیانگر این موضوع است که بررسی بازیگران اصلی موثر در عرصه مدیریت روستایی پرداخته و نقش و جایگاه هر یک را به خوبی تبیین کرده است. کریمی (۱۳۸۶) به ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه روستایی پرداخته است. وی با توجه به مطالعات خویش این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که رابطه همسویی بین فعالیت‌ها و خدمات ارائه شده توسط دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی بر اساس میزان رضایتمندی روستاییان از عملکردهای عمرانی، کشاورزی، اجتماعی، فرهنگی و ... وجود ندارد. کوچکیان فرد (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان چالش‌های فراروی روابط شورای اسلامی روستا و دهیاری به بررسی سابقه بروز و ظهور دهیار و دهیاری‌ها در روستاهای کشور پرداخته و سپس شوراها و دهیاری‌ها را به لحاظ قوانین و مقررات مورد مقایسه قرار داده و به تداخل وظایف دهیارها و شورای اسلامی اشاره داشته و در نهایت، برای موفقیت شورا و دهیاری‌ها در عملکرد، پیشنهادها و راه‌حلهایی ارائه کرده است. ناییجی (۱۳۸۸) در تحقیق نقش آموزش دهیاران در توسعه روستایی با توجه به جمع‌آوری اطلاعات بدست آمده از طریق مطالعات میدانی، به این نتیجه رسیده است که دهیاران در زمینه آموزش مردم روستاهای با مطالعه خویش تا حدود زیادی توانسته‌اند نسبت به گذشته تحولاتی را در زمینه شاخص آموزش بوجود آورند. لهسایی‌زاده (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای به بررسی مدیریت روستایی در ایران معاصر پرداخت. نتایج نشان داد روستاهای کشور از یک خلأ مدیریتی رنج می‌برند و آنچه می‌تواند راه حل این معضل اجتماعی باشد، پیوند زدن نهاد کنترل روستایی مردمی با ساختار رسمی جامعه است. نتایج پژوهش بذرافشان و روانبخش (۱۳۹۰)، با هدف بررسی نقش دهیاران در فرایند توسعه روستایی بخش میرجاوه شهرستان زاهدان نشان داد دهیاران بخش مذکور عملکرد متوسطی را در توسعه روستایی داشته‌اند. اسماعیل شهبازی و عباس شریفی تهرانی در سال ۱۳۹۰ مقاله‌ای تحت عنوان آسیب‌شناسی مدیریت روستا نگاشته و بیان نمودند که در گذشته‌های دور بومی بودن مدیریت روستا مورد توجه بزرگ مالکان و خرده مالکان بوده است. در جریان اصلاحات ارضی دهه چهل و حذف بزرگ مالکان از عرصه‌های روستایی، اختیارات مدیریت بومی و سنتی روستا هم به ناچیزترین سطح خود می‌رسد و جریان دولتی شدن آن هم روزبه روز افزایش یافت و در نتیجه دست روستاییان از مشارکت در تصمیم‌گیری برای اداره امور داخلی روستاهای خود کوتاه‌تر شد. این روند در قالب‌های جدیدی مانند شورای اسلامی روستا و دهیاری‌ها تا به امروز هم تداوم یافته است و هرگونه طراحی برای نظام مدیریت روستایی باید مبتنی بر اعتماد و اعتقادات مردم روستایی باشد. نصراله مولایی‌هشجین در سال ۱۳۹۱، مقاله‌ای تحت عنوان مدل و الگوی پیشنهادی مدیریت روستایی در استان گیلان نوشته و بیان نمود که با بهره‌گیری از نظریات، تجربیات، منابع و اطلاعات به بررسی اجمالی مدیریت روستایی در ایران و گیلان پرداخته و در پایان مدل پیشنهادی مدیریت روستایی در سطح روستاهای استان گیلان از سطح روستا تا استانی ارائه شده است. مدیریت اجرایی مجتمع برای روستاهای کوچک و بسیار کوچک و نیز روستاهای همجوار پیوسته در اندازه‌های مختلف و مدیریت یکپارچه با کارکرد مدیرکل در سطح روستا از مشخصه‌های مدل پیشنهادی وی است. سیدسعید میرمحمدی، مقاله‌ای تحت عنوان شوراها، مدیریت محلی و مدیریت شهری، در سال ۱۳۹۴، چنین نتیجه‌گیری نمود که شوراهای شهر به عنوان تبلور و نمود مشارکت اصیل مردمی در عرصه تصمیم‌گیری اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، به نوعی مشارکت جمعی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور مردم هستند. «شوراهای اسلامی شهر» و «شهرداری» به عنوان دو بازوی نظارتی و اجرایی نظام مدیریت شهری، نقش موثر و اساسی در روند اداره شهر ایفا می‌کنند. با توجه به این که شوراهای اسلامی شهر کارآمدترین ابزار حکومت محلی برای

مدیریت شهری و در راستای نهادینه شدن مشارکت مردم در ساختارهای تصمیم‌گیری محلی هستند توسعه نقش آنها در امور مدیریت شهری و شهرداری، ضرورت غیرقابل انکاری دارد. سعید محمدزاده و امید مهرباب قوچانی مقاله‌ای تحت عنوان آسیب‌شناسی مدیریت مشارکتی با تأکید بر سیستم مدیریتی سازمان‌های کشور در سال ۱۳۹۵ نوشته‌اند. پژوهشگران بیان کردند که سبک مدیریت مشارکتی، برای تقویت هویت انسانی و دورشدن از هویت ابزاری انسان‌ها در سازمان گام بر می‌دارد و به فعال سازی اندیشه‌های آنها برای تحقق کارآمدتر اهداف سازمان کمک می‌کند. بایستی به این نکته توجه ویژه داشت که مشارکت یک درگیری ذهنی و عاطفی برای یک شخص در موقعیت‌های گروهی است که او را بر می‌انگیزاند حمدالله سجاسی، یعقوب اسفرم و مهناز رهبری مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل نقش مدیریت محلی در کاهش آسیب پذیری کالبدی با رویکرد حکمروایی خوب (مطالعه موردی: دهستان بهمئی سرحدی غربی) در سال ۱۳۹۶ نگاشتند. گروه پژوهشگران اظهار نمودند که مدیریت روستایی از جنبه‌های مختلف همواره جای مطالعه و بررسی دارد. خالقی ۱۹۹۲ در پژوهشی با عنوان نگرش‌ها و موانع اجرای مدیریت مشارکتی در توسعه کشور بدین نتیجه دست یافت که کارگران تمایل بیشتر و یا نگرش مثبت به مشارکت دارند، اما مدیران و سرپرستان چنین نیستند، زیرا احساس می‌کنند، اجرای مدیریت مشارکتی احتمالاً موجب کاهش قدرت آنها می‌شود. این پژوهشگر پیشنهاد می‌کند که تغییر نگرش مدیران و سرپرستان در این زمینه مهم است. مسعود مهدوی و علی‌اکبر نجفی کانی در فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی شماره ۵۳ در مقاله‌ای تحت عنوان دهیاری‌ها تجربه ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران (نمونه موردی دهیاری‌های استان آذربایجان غربی) آورده‌اند که نظام مدیریت روستایی طی سالیان طولانی به لحاظ ساختارهای اجتماعی، تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته و متأسفانه خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی این ادوار به خصوص تا سال ۱۳۴۰ و دهه‌های اخیر مشکلات عدیده ای را برای روستاییان ایجاد نموده است. ناصر مسرورنژاد در پایان‌نامه خود تحت عنوان عملکرد مدیریت روستایی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی شهرستان صومعه‌سرا به این نتیجه رسیده است که شناخت کافی از مسایل و امکانات یک روستا نخستین گام برای برنامه‌ریزی است و ضعف علمی و تجربی در این زمینه سبب عدم موفقیت بسیاری از برنامه‌ها از جمله مدیریت روستایی می‌شود. در حال حاضر با تشکیل شوراهای اسلامی و تاسیس دهیاری‌ها بخش عمده‌ای از مشکلات مدیریت روستایی که ناشی از نادیده گرفتن مقام اجرایی و تغییرات مداوم ساختاری بوده، مرتفع گردیده است. در طی سالیان دراز مفهوم مدیریت شکل گرفته است. تعاریف گوناگونی از مدیریت که به خاستگاه‌های فکری صاحب‌نظران مربوط می‌شود، وجود دارد، یکی از آنها، مربوط به انجمن آمریکا است: «مدیریت عبارت است از کارکردن با افراد و گروه‌ها از طریق دیگران، برای رسیدن به هدف‌های سازمان و هدف‌های کارکنان». در این تعریف بر سه نکته تأکید شده است: تأکید بر انسان‌ها در سازمان، توجه به هدف‌ها و نتیجه‌ها، نه فعالیت‌ها و ادغام هدف‌های فردی اعضا با هدف‌های سازمان و از این‌رو مدیر از طریق دیگران و با فرآیند تفویض اختیار، کار را به انجام می‌رساند، اگرچه مدیر نمی‌تواند مسئولیت نهایی را تفویض کند، اما اختیار را تفویض می‌نماید (خلیلی شورینی، ۱۳۸۰: ۵-۱).

مدیریت روستایی

موضوع اندیشه اداری و دانش مدیریت و به‌خصوص هدایت و رهبری، موضوعی است که همراه با زندگی اجتماعی انسان و حتی قبل از آن مطرح بوده است (حقیقی، ۱۳۷۸: ۵). در کشورهای در حال توسعه، شناسایی جامع ساختار حکومت محلی «روستایی» و مدیریت یک مسأله کلیدی است (ژان، ۲۰۰۳: ۳). مدیریت «یک فراگرد است، بر هدایت تشکّل‌های انسانی دلالت دارد، مدیریت مؤثر بر تصمیم‌گیری و دستیابی به نتایج مطلوب مبتنی است. مدیریت کارآ، متضمن تخصص و صرف مدبرانه منابع است، مدیریت بر فعالیت‌های هدفدار متکی است (افتخاری، ۱۳۸۶: ۷). مدیریت یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های انسانی به شمار می‌آید. پیشرفت جوامع به کوشش‌های گروهی بستگی دارد و همچنان که گروه‌های سازمان یافته، گسترش می‌یابد، عملکرد مدیریت و مدیران از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد. از طرف دیگر مدیریت، فرآیند طراحی و حفظ محیط و شرایطی است که در آن، افراد گروه‌ها برای دستیابی به اهداف منتخب گروهی، به‌طور مؤثر و

با انگیزه، فعالیت نمایند. در تعریفی دیگر گفته می‌شود: «مدیریت فرایند به‌کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد» (رضاییان، ۱۳۸۰: ۶).

مدیریت عبارت است از فرآیند برنامه‌ریزی، سازماندهی، کنترل و نظارت و انگیزش ارتباطات و هدایت و تصمیم‌گیری در جهت نیل به اهداف. مدیریت به معنای نظام دادن، گرداندن و رتق و فتق کردن امور بکار برده شده است. با این تفکر مدیریت فرآیندی است که در یک سطح سازمانی ویژه، مسئولیت کنترل و نظارت فعالیت‌ها، جریان تصمیم‌گیری، سازماندهی و برنامه‌ریزی را برعهده داشته و آنها را در جهت رسیدن به اهداف مورد نظر در جامعه هدایت می‌نماید. به لحاظ کاربردی برای مدیریت تعاریف متعددی ارائه شده است. «گروهی مدیریت را علم و هنر هماهنگی، کوشش‌ها و مساعی اعضای سازمان در استفاده از منابع برای نیل به اهداف معین تعریف کرده‌اند.» (رضوانی، ۱۳۶۷: ۸). از همه تعاریف فوق، تعریف زیر از سایر تعاریف جامع‌تر و متخصصین امر مدیریت در آن «متفق‌القول هستند: «مدیریت عبارت است، فرآیند بکارگیری «اثر بخشی» «کارآمد» منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، تامین منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف و در محدوده «سازمان» صورت می‌گیرد (قنبری و آسایش، ۱۳۸۷: ۴). یا به‌طور خلاصه می‌توان گفت: مدیریت یعنی کار کردن با افراد و به وسیله افراد و گروه‌ها برای تحقق هدف‌های سازمانی. لازمه موفقیت آن است که همه مدیران به مهارت‌های اجتماعی و انسانی مجهز باشند. به عبارت دیگر مدیریت عبارت است از دستیابی به هدف‌های سازمانی از طریق هدایت و رهبری.

انجام کارهای جمعی نیازمند هماهنگی است که تامین آن بر عهده مدیریت است. هرچه کار ساده باشد، مدیریت مربوط به آن نیز ساده است و هرچه کار پیچیده باشد، نیازمند مدیریتی پیچیده خواهد بود؛ بنابراین، می‌توان مدیریت را با بهره‌گیری از تقسیم‌بندی ماکس وبر (فرون، ۱۳۶۸: ۶۱) با توجه به انواع کنش‌ها و اقتدار، به مدیریت سنتی و مدیریت عقلانی - بوروکراتیک تقسیم کرد. در جوامع کوچک و دیرسال که مسائل جمعی و عمومی، پیچیدگی و تخصصی شدن کمتری دارد، نوع مدیریت نیز نسبت به جوامع بزرگ‌تر و با تقسیم کار بیشتر، ساده‌تر است. از آنجایی که در جوامع کوچک نیازهای افراد پیچیدگی زیادی ندارند و مرزهای میان حوزه‌های خصوصی و عمومی روشن نیستند، سازوکارهای هماهنگی جمعی، ماهیتی برخاسته از سنت، عرف یا مذهب دارند؛ از این‌رو مدیریت حاکم بر چنین جوامعی، ماهیتی سنتی دارد. مدیریت سنتی به سبب داشتن عمر زیاد، تجربی بودن و ساده و بسیط بودن ساختار از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تشکیل شده است؛ اما با پیشرفت جوامع و معرفی الگوهای نوین کار و زندگی و گسترش دخالت دولت در زمینه‌های مختلف جامعه، سازوکارهای سنتی برای انجام وظایف جدید که مربوط به اجرای سیاست‌های دولت می‌شوند، ناکارآمد و ناکافی به نظر می‌رسند. در این وضعیت، سازوکارهای جدید براساس قوانین و مقررات با رویکرد عقلانی - بوروکراتیک به امور تشکیل می‌شوند. در دوران جدید، جنبه‌های خصوصی و عمومی زندگی از یکدیگر تفکیک می‌شوند و به دنبال آن، مفهوم جدیدی به نام مدیریت امور عمومی پدید می‌آید. مدیریت عمومی، به بخشی از اداره امور گفته می‌شود که مربوط به دولت یا حکومت است (گولد، ۱۳۷۶: ۷۶۴) و می‌توان آن را هماهنگ کردن کوشش‌های فردی و گروهی برای اجرای سیاست یا خط‌مشی عمومی دولت دانست. مدیریت عمومی ویژگی‌هایی دارد که عبارتند از: ۱- شخصیت حقوقی آن نه براساس سنت و عرف، بلکه براساس قانون تعریف می‌شود؛ ۲- مشروع بودن خود را از قانون و حکومت می‌گیرد؛ ۳- مجری سیاست‌های حکومتی است که به شکل رسمی به او ابلاغ می‌شوند؛ ۴- امور خصوصی و عمومی را تفکیک می‌کند. ویژگی‌های یادشده نشان می‌دهند که میان مدیریت سنتی و عمومی نوین، تفاوت‌های اساسی وجود دارند که باید در تحلیل تحولات مدیریت روستایی در ایران به آن‌ها توجه داشت (ایمانی و عبداللهی، ۱۳۸۸: ۲۲۵).

آسیب شناسی مدیریت توسعه در ایران

و منظور از آسیب شناسی مدیریت، عبارت است از مطالعه، کالبدشکافی و شناخت بیماری‌ها، ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌هایی که در فرآیند مدیریت توسعه بروز و ظهور پیدا می‌کند و البته، این مفهوم دارای ابعاد گسترده‌ای است که مشتمل بر شناخت و مطالعه آسیب‌های برنامه‌ریزی، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل و همچنین، متغیرهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از یک سو، چگونگی شخصیت نخبگان سیاسی (ابزاری) و توانمندی‌های معرفت‌شناختی آنان در عرصه توسعه و بصیرت و هوشمندی آنان در شناخت حوزه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تاثیرگذار بر فرآیند توسعه و چگونگی تصمیم‌سازی آنان در یک بستر علمی و منطقی با بهره‌گیری هوشمندانه و مدبرانه از توانمندی‌های صاحب‌نظران و محققان از سوی دیگر است؛ به نحوی که ضریب خطای کمتری در ابعاد فرآیند مدیریت توسعه پدید آید. (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۵۷۱)

بررسی فرایند توسعه در کشور، به ویژه مدیریت توسعه، نشان دهنده وجود برخی علایم و نشانه‌هایی دال بر بروز و ظهور آسیب‌ها، نابسامانی‌ها و به عبارت دقیق‌تر، بیماری‌های متعددی است که به اعتبارهای گوناگون و از ابعاد مختلف قابل تقسیم‌بندی و مطالعه است. در یک تقسیم‌بندی آسیب‌های مدیریت توسعه‌ی کشور را می‌توان به دو دسته‌ی کلان زیر تقسیم‌بندی کرد:

آسیب‌های نظری (رویکردی و نگرشی و شناختی)

آسیب‌های عملی (اجرایی)

۱) آسیب‌های نظری: منظور از آسیب‌های نظری عبارت از آسیب‌ها، نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های مشهود ناشی از اندیشه و تفکر و به عبارت دقیق‌تر، ناشی از نظریه‌ها و مبانی نظری و رویکردهای انتخاب شده برای توسعه‌ی کشور است که خود دارای زیر بخش‌هایی به شرح زیر است:

نخست؛ نبود مکتب فکری معین علمی در این خصوص: (عظیمی، ۱۳۷۸: ۱۱۹-۱۱۸).

دوم؛ انتخاب مکاتب نظری نامطمئن برای توسعه کشور توسط سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان (مدیران)

سوم؛ عدم اجماع نظر نخبگان سیاسی (ابزاری) و تصمیم‌گیرندگان کشور (منصورنژاد، ۱۳۷۹: ۱۶).

۲) آسیب‌های عملی (اجرایی)

منظور از آسیب‌های عملی در فرآیند توسعه مدیریت کشور از جمله از آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های اجرایی و عملیاتی توسعه است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

نخست؛ ضعف، کاستی و خامی در برنامه‌ریزی: یکی از ضعف‌ها و کاستی‌های اساسی که از آسیب‌های مهم مدیریت توسعه به شمار می‌رود، (مدنی، ۱۳۷۲: ۱).

دوم؛ عدم کارایی لازم برخی مدیران و تصمیم‌گیرندگان:

سوم؛ سازمان دولتی ضعیف و وجود فساد اداری

چهارم؛ ضعف در نظارت و کنترل:

پنجم؛ نبود سازوکار حل منازعه در میان نخبگان سیاسی کشور:

ششم؛ تضعیف بخش خصوصی و فساد اقتصادی: (بهشتی، ۱۳۷۲: ۲۸)

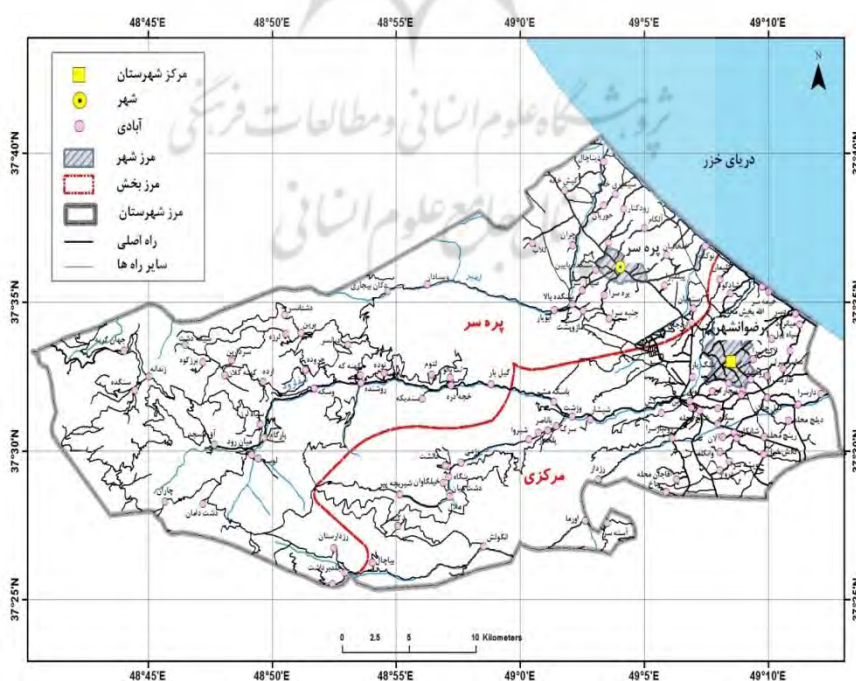
روش شناسی

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است جامعه آماری تحقیق حاضر جمعیت و خانوارهای ساکن در کلیه روستاهای کوهستانی، کوهپایه‌ای، جلگه‌ای و ساحلی شهرستان رضوانشهر، دهیاران و اعضای شورای اسلامی روستاست. با توجه به موضوع تحقیق و محدود بودن تعداد دهیاران و شوراهای اسلامی روستا، حجم نمونه تحقیق کلیه دهیاران (۷۵ نفر) و روستا و اعضای شورای اسلامی روستاهای شهرستان رضوانشهر (۲ نفر از هر شورا، مجموعاً ۱۸۰ نفر) در بخش دست-اندرکاران مدیریت روستاست. در بخش مردم با توجه به تعداد خانوارهای ساکن در روستاها که برابر ۱۳۴۹۸ خانوار و

۳۱۱۶۵ نفر جمعیت است، ۶۷۵ خانوار، با خطای ۵٪ و طبق فرمول کوکران، حجم نمونه بوده که از ۳۸۰ نفر نظرخواهی شد. روش گردآوری اطلاعات به دو طریق است: ابتدا برای جمع‌آوری مباحث نظری رساله از روش اسنادی استفاده نموده سپس برای بررسی وضع موجود جامعه مورد مطالعه از روش پیمایشی استفاده شده است. پرسشنامه مورد استفاده (در ۳ بخش برای دهیاران، شورای اسلامی روستا و مردم) و فیش تحقیقاتی ابزار گردآوری اطلاعاتی است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به شیوه توصیفی بوده و برای استخراج آماری از نرم‌افزارهای SPSS و EXCEL بهره برده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان رضوانشهر در شمال غربی استان گیلان، بین سواحل دریای خزر و رشته کوه‌های تالش قرار دارد و از دو بخش جلگه‌ای و کوهستانی تشکیل شده است. این شهرستان از شمال به دریای خزر و شهرستان تالش، از غرب به شهرستان خلخال (استان اردبیل)، از جنوب به شهرستان‌های صومعه سرا و ماسال و از شرق با شهرستان بندر انزلی مرز مشترک دارد. این شهرستان از موقعیت جغرافیایی ممتازی برخوردار می‌باشد بدین معنا که گلوگاه ارتباطی بخش‌های مرکزی، غربی و شمالی استان محسوب شده و در مدخل شاهراه ارتباطی گیلان به استان اردبیل و کشورهای قفقاز و روسیه قرار گرفته است. مساحت این شهرستان ۲۹۴/۷۷۰ کیلومتر مربع می‌باشد. این شهرستان از نظر نا همواری به دو منطقه کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم می‌شود تقریباً همه رودخانه‌های شهرستان از منطقه کوهستانی به جلگه سرازیر می‌شود که مهمترین آنها رودخانه دیناچال، شفارود و چاکرود است. نام قدیمی رضوانشهر، رزوند یا رزونده یا رزوندی بوده است که بعداً به صورت رضوان‌ده و رضوانشهر درآمد. این محل تا سال‌های ۱۳۰۰ خورشیدی چندان رونقی نداشت. در دوران انقلاب جنگل، جاده موسوم به شاه‌عباسی بازسازی و بهره‌برداری دوباره شد. این جاده با گذر از رضوان‌ده، گسگرات را به آبادی ساحلی شفارود پیوند می‌داد. در سال ۱۳۱۵ نیز جاده بندر انزلی به آستارا ساخته شد و درست در محل کنونی رضوانشهر جاده شاه‌عباسی را قطع نمود. طبق سر شماری سال ۱۳۹۵ ۲۲۲۴۶ خانوار با جمعیتی بالغ بر ۶۹۸۶۵ نفر در این شهرستان سکونت دارند. که ۳۱۱۶۵ نفر آن در جامعه روستایی و ۳۸۷۰۰ نفر در منطقه شهری ساکن هستند.



شکل ۱. نقشه موقعیت پراکندگی مناطق روستایی شهرستان رضوانشهر (منبع: شناسنامه آبادی‌های استان گیلان، ۱۳۹۵)

یافته‌ها و بحث

مدیریت محلی یا روستایی همواره با چندین مشکل مواجه بوده و مسائل پشت پرده‌ای نیز دنبال می‌کرده است که باعث عدم توجه وافی به پیش زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... در اجرای صحیح این مدیریت در روستاها شده است. از مسائل پشت پرده می‌توان به اهتمام دولت و بوروکراسی دولتی برای ورود به روستاها و تحکیم پایه‌های سیاسی خود نام برد و دیگری تبدیل روستاییان به مصرف‌کنندگان تولیدات مصرفی چه غربی و چه داخلی و در یک معنا ورود در نظام جهانی سرمایه‌داری است.

جدول ۱. عملکرد مدیریت روستایی در شهرستان رضونشهر

شرح	ستادی و اداری	اقتصادی و مالی	خدماتی - اجتماعی و سیاسی	کالبدی و عمرانی	بهداشتی و زیست محیطی
بخش پره سر	-	ایجاد چمن مصنوعی در روستاهای الکام و لتوم	۱- برگزاری مراسم بومی و محلی ۲- شرکت در انتخابات	۱- در روستاهای اردجان، خلخالیان، حوربان، مقدم محله، الکام، سنگده بالا، گلاب اقدام به ساخت رفوژ میانی روستا شده است	۱- جمع‌آوری زباله در تمام روستاهای جلگه‌ای ۲- جمع‌آوری زباله از معابر روستا
		۲- درآمد زایی برای دهیاری با ساخت چمن		۲- در روستاهای فوق معابر روستا باز سازی شده است	۳- ساخت سرویس بهداشتی در سطح روستاها بطور نمونه الکام، صیقلسرا، نوده، اردجان، ارده و حوربان
بخش مرکزی	ساخت ساختمان دهیاری در روستاهای دلپنج	۱- چمن مصنوعی در روستاهای رودسر و رودبارسرا ۲- درآمد زایی برای دهیاری با ساخت چمن	۱- برگزاری مراسم بومی و محلی ۲- شرکت در انتخابات	۱- بهسازی معابر در روستاهای بنکی منکی کش، رودبارسرا، رودسر، دلپنج محله	۱- خرید خودرو مکانیزه برای حمل زباله ۲- ساخت سرویس بهداشتی در روستا

براین اساس و با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان به این نکته اشاره نمود که آسیب‌های مدیریتی روستایی منشأ درون‌سازمانی داشته و علت اصلی آن تعارض سازمانی موجود است. در این قسمت عوامل و علل موثر بر مدیریت روستایی به تفکیک مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

آسیب‌های حقوقی و قانونی

کلیه دهیاران اظهار نمودند که با قوانین و مقررات دستگاه‌های اجرایی آشنایی کامل دارند در حالیکه از نظر مردم ۹۵٪ دهیاران با قوانین و مقررات ادارات آشنا هستند. ۶۰٪ دهیاران، وجود روستاهای اقماری را یک چالش برای مدیریت محلی می‌دانند. ۷۳،۳٪ دهیاران تعارض قوانین و مقررات موجود را آسیب برشمرده در حالیکه این متغیر از نظر بیش از ۹۱٪ مردم آسیب‌رسان است. ۹۰،۷٪ دهیاران تصویب قوانین بدون حضور و نظرسنجی از دهیاران را نادرست اعلام نمودند که با نظر مردم (۹۱،۶٪) تقریباً یکی است. ۶۵،۳٪ دهیاران (۶۲،۶٪ مردم)، مسایل قانونی ناشی از فضاهای جدید (توسعه راه، ساخت مکان‌های صنعتی) و ۶۸٪ دهیاران نیز معتقدند موانع قانونی و حقوقی به مدیریت محلی آسیب می‌رساند در حالیکه این عامل در نزد عوام درصد بیشتری را به خود جلب کرده است (بیش از ۷۸٪). ۸۸٪

دهیاران معتقدند که عدم آشنایی افراد از حقوق و تکالیف خود، مدیریت روستایی را با آسیب مواجه می‌سازد درحالی‌که این عامل از نظر بیش از ۹۵٪ مردم مدیریت محلی را با چالش مواجه می‌کند. در نهایت نیز ۹۸٫۷٪ دهیاران نقش آشنایی مردم با قوانین و مقررات وضع شده را در موفقیت مدیریت محلی موثر دانسته‌اند که این عامل از نظر ۹۱٪ از مردم سبب موفقیت مدیریت محلی می‌گردد. مطابق جدول و نظرات اخذ شده توفیق مدیریت روستایی به میزان آگاهی مدیران محلی و نیز کاهش میزان تعارضات قانونی بستگی دارد.

جدول ۲. آسیب‌های حقوقی و قانونی

درصد معیارهای مورد بررسی					
جمع	اظهارنشده	خیر	بلی	پاسخگویان	آسیب‌های حقوقی و قانونی
۱۰۰	-	-	۱۰۰	دهیار	آشنایی دهیار با قوانین و مقررات دستگاه‌های اجرایی
۱۰۰	-	۲۶/۷	۷۳/۳	مردم	
۱۰۰	۸/۰	۳۲/۰	۶۰/۰	دهیار	وجود روستاهای اقماری از لحاظ قانونی
۱۰۰	-	۲۶/۷	۷۳/۳	دهیار	تعارض قوانین و مقررات موجود
۱۰۰	۲/۱	۶/۳	۹۱/۶	مردم	
۱۰۰	-	۹/۳	۹۰/۷	دهیار	تصویب قوانین بدون حضور دهیاران
۱۰۰	۲/۱	۶/۳	۹۱/۶	مردم	
۱۰۰	-	۳۴/۷	۶۵/۳	دهیار	مسایل قانونی ناشی از فضاهای جدید
۱۰۰	۲/۱	۳۵/۳	۶۲/۶	مردم	
۱۰۰	۲/۷	۲۹/۳	۶۸/۰	دهیار	موانع قانونی و حقوقی
۱۰۰	-	۲۱/۱	۷۸/۹	مردم	
۱۰۰	-	۱/۳	۹۸/۷	دهیار	آشنایی مردم با قوانین و مقررات وضع شده
۱۰۰	-	۴/۷	۹۵/۳	مردم	
۱۰۰	۲/۷	۹/۳	۸۸/۰	دهیار	میزان عدم آشنایی افراد از حقوق و تکالیف خود
۱۰۰	-	۴/۷	۹۵/۳	مردم	
۱۰۰	-	-	۱۰۰	دهیار	آشنایی دهیار با قوانین دهیاری
۱۰۰	-	۴/۷	۹۵/۳	مردم	
۱۰۰	-	-	۱۰۰	دهیار	آگاهی دهیار از وظایف خود
۱۰۰	-	۴/۷	۹۵/۳	مردم	
۱۰۰	-	۳۲	۶۸	دهیار	آشنایی اهالی روستا با قوانین زندگی روستایی
۱۰۰	-	۴/۲	۹۵/۸	مردم	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

آسیب‌های اداری و سازمانی

۹۴٫۷٪ دهیاران و ۹۱٫۶٪ مردم، عدم اتکای نظام اداری به دانش بومی مردم، ۹۷٫۳٪ دهیاران و ۹۵٫۳٪ مردم، نداشتن اختیارات اداری و سازمانی دهیاران را، ۹۴٫۷٪ دهیاران و ۹۲٫۶٪ مردم، عدم هماهنگی ادارات با یکدیگر (از نظر حقوقی و اداری)، ۶۰٪ دهیاران و ۸۷٫۴٪ مردم، سلسله مراتب سازمانی و ۸۵٫۳٪ دهیاران و ۹۹٫۵٪ مردم نیز ناکارآمدی نظام اداری به‌واسطه فساد، دیوانسالاری، ناشایسته‌سالاری یکی از آسیب‌های مدیریت روستایی در بخش نظام اداری و سازمانی می‌دانند. اطلاعات مندرج در جدول حاکی از آنست که ۷۰٫۷٪ دهیاران و ۳۶٫۳٪ مردم، تهیه و برنامه‌ریزی در مورد روستا بدون حضور نمایندگان روستا (طرح هادی) را به نفع روستا نمی‌دانند. زیرا هدف از ایجاد دهیاری، اجرای طرح هادی، راه‌سازی، اداره روستا، خدمات رسانی به روستا و رسیدگی به مشکلات روستاییان است. ۶۰٪ پاسخگویان

اظهار نمودند که دهیار به عنوان نماینده دولت، می‌تواند به نفع مردم، اگر چه سخنش به ضرر دولت باشد را آزادانه مطرح نموده و از آن دفاع کند. در مقابل درصد قابل توجهی ۳۸,۷٪ پاسخگویان اظهار نمودند که دهیار چنین حقی نداشته و مجبور است به نفع دولت نظر دهد در غیراینصورت یا عزل خواهد شد یا در انجام امور، با وی همکاری نخواهند کرد. این درحالیست که از نظر عوام فقط ۱۵٪ معتقدند که دهیار می‌تواند به نفع مردم و به ضرر دولت صحبت کند؛ چون دهیار نماینده دولت در روستاست و از دولت حقوق و مزایا دریافت نموده و اجازه ندارد بر خلاف دولت اقدامی انجام دهد.

سایر اطلاعات مندرج در جدول فوق حاکی از آنست که ۹۳,۷٪ افراد اظهار نمودند که دهیاران روستایشان با امکانات و ضوابط موجود تاکنون موفق عمل نموده در حالیکه ۸۹,۳٪ مردم اظهار نمودند که مدیریت محلی با توجه به شرایط موجود تاکنون در روستا موفق عمل نموده است. ۹۶٪ دهیاران، خود را در حل مشکلات اداری ناتوان می‌دانند که این میزان در بین مردم برابر ۹۵,۳٪ است. همچنین ۸۲,۷٪ دهیاران و ۹۹,۵٪ مردم، شیوه بهره‌برداری از منابع طبیعی (جنگلی، ساحل، مرتع، رودخانه، شن و ماسه)، ۹۴,۶٪ دهیاران و ۹۵,۳٪ مردم، عدم هماهنگی ادارات با یکدیگر از لحاظ حقوقی و اداری را از دیگر چالش‌های موجود در این زمینه خواندند. ۸۰٪ دهیاران و ۹۵,۸٪ مردم وظایف دهیاران را مبهم دانسته و ۹۳,۳٪ آنان و ۸۸,۲٪ مردم به محدود بودن اختیارات دهیاران اشاره کردند. در نهایت ۸۲,۷٪ دهیاران و ۹۳,۹٪ مردم وجود افراد تحصیل کرده‌ی آشنا با قوانین در روستا را از نقاط مثبت و ضروری دانسته‌اند.

پاسخگویان معتقدند که دولت و شوراها به همراه دهیاری‌ها نتوانسته‌اند پل مناسبی بین مردم و نهادهای اجرایی برقرار نمایند که موجب گردیده هماهنگی بین این نهادها کاهش یابد. در عین حال دولت نیز به باور پاسخگویان مهمترین نهاد مشکل ساز در مدیریت روستایی بوده است. از جمله مشکلات اداری و سازمانی که دلایل عملی نشدن برخی برنامه‌های روستایی مدنظر دهیاران و اعضای شورا بوده است. از طرفی پاسخگویان معتقدند که اختیاراتی که به دهیاری و شوراها داده شده کافی می‌باشد ولی در عمل محدودیت‌های اداری بسیاری مشکل‌ساز بوده و مدیریت روستایی را با شکست مواجه کرده است.

دهیار بعنوان رابط بین نمایندگان مردم و نمایندگان دولت، چند مشکل اساسی را باید حل کند؛ از طرفی اشرافیت اطلاعاتی و افزایش سطح دانش و از طرفی دیگر تعامل منطقی بین شوراها و تصمیمات آنها با نظرات مدیران سیاسی و همچنین اجرای برنامه‌های متعدد برقرار کند. همچنین با ایجاد کمترین تطبیق که مصوبات شورا را بررسی می‌کند، این ناهماهنگی‌ها را افزایش می‌دهد. قوانین و مقررات سازمانی در کل کشور تعریف شده است و در بسیاری از موارد قابلیت انطباق محیطی نداشته و با شرایط زیست‌بوم هماهنگ نیست. در نتیجه این تعارضات، شاهد ساخت و سازهای خلاف و نفوذ دینفوذان و گسترش و پیدایش حوزه‌های متعدد قدرت در روستاها مثل هیات امنای مساجد و ... به طور کلی با درهم ریختگی در مرفولوژی روستا و ناسازگاری قوانین با روستا و اجرای ناقص آنها مواجه است.

جدول ۳. آسیب‌های اداری و سازمانی

آسیب‌های سازمانی و اداری	درصد معیارهای مورد بررسی			اظهارنشده	جمع
	پاسخگویان	بلی	خیر		
عدم اتکای نظام اداری به دانش بومی مردم	دهیار	۹۴/۷	۵,۳	-	۱۰۰
نداشتن اختیارات اداری و سازمانی دهیاران	دهیار	۹۷,۳	۲,۷	-	۱۰۰
عدم هماهنگی ادارات با یکدیگر	دهیار	۹۴,۷	۵,۳	-	۱۰۰
سلسله مراتب سازمانی	دهیار	۶۰/۰	۳۸/۷	۱/۳	۱۰۰
ناکارآمدی نظام اداری	دهیار	۸۵,۳	۱۲,۰	۲,۷	۱۰۰
ذینفع بودن روستا از تهیه و برنامه‌ریزی در مورد روستا بدون حضور نمایندگان شیوه بهره‌برداری از منابع طبیعی	دهیار	۲۹/۳	۷۰/۷	-	۱۰۰
موفقیت مدیریت محلی در روستا	دهیار	۸۲,۷	۱۶	۱,۳	۱۰۰
عدم هماهنگی ادارات با یکدیگر از لحاظ حقوقی و اداری	دهیار	۹۹/۵	۰,۵	-	۱۰۰
ناتوانی دهیار در حل مشکلات اداری	دهیار	۸۹/۳	۹,۴	۱/۳	۱۰۰
توانایی دهیار در بیان آزادی عقیده به نفع مردم و ضرر دولت	دهیار	۹۳/۷	۶/۳	-	۱۰۰
مبهم بودن وظایف دهیاران	دهیار	۹۴,۶	۲,۷	۲,۷	۱۰۰
محدود بودن اختیارات دهیاران	مردم	۹۵/۳	۴/۷	-	۱۰۰
وجود تحصیل کرده‌ی آشنا با قوانین در روستا	دهیار	۹۶	۴	-	۱۰۰
	مردم	۹۵,۳	۴,۷	-	۱۰۰
	دهیار	۶۰	۳۸,۷	۱,۳	۱۰۰
	مردم	۱۵	۸۰	-	۱۰۰
	دهیار	۸۰	۱۸,۷	۱,۳	۱۰۰
	مردم	۹۵,۸	۴,۲	-	۱۰۰
	دهیار	۹۳,۲	۶,۷	-	۱۰۰
	مردم	۸۸,۲	۱۱,۸	-	۱۰۰
	دهیار	۱۷,۳	۸۲,۷	-	۱۰۰
	مردم	۶,۱	۹۳,۹	-	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

آسیب‌های عمرانی

رعایت ضوابط ساخت و ساز و صدور پروانه‌های ساختمان در داخل بافت روستا، پیگیری تهیه و اجرای طرح‌های روستایی، بهبود بخش مسکن و ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های مقاوم سازی در مقابل زلزله، جلوگیری از حفر چاه‌های غیرمجاز و کنترل برداشت از چاه‌های مجاز، روش‌های جمع آوری زباله و دفن فاضلاب روستایی، نحوه تسهیل فرایند همکاری با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، نقش دهیاران در امداد رسانی در مواقع بحرانی، نقش دهیاران در نگهداری تأسیسات عمومی (آب، برق، گاز، ...) و اموال و دارایی‌های روستا، خدمات روستایی و بهبود عبور و مرور روستایی و امکانات زیربنایی، تملک اراضی مورد نیاز برای توسعه روستایی از شاخص‌های عمرانی در حیطه مسئولیت آنها محسوب می‌شود.

۶۴٪ پاسخگویان موانع حقوقی و محلی اجرای طرح‌های زیربنایی نظیر برق، آب، گاز، تلفن، خطوط انتقال انرژی از آسیب‌های عمرانی بوده و سبب وجود آمدن چالش‌های بسیاری برای مدیریت محلی می‌گردد؛ ۷۲٪ پاسخگویان نیز اجرای امور زیربنایی همانند احداث جاده (مالکیت‌ها، باغات و زمین‌ها، کمبود زمین برای عمران، نقش واسطه‌گری در اجرای طرح‌ها) از دیگر آسیب‌های عمرانی وارده بر مدیریت روستایی می‌دانند. در مقابل ۸۱٫۳٪ دهیاران رسیدگی به عمران روستایی و ۴۴٪ آنان مسایل مربوط به پروانه ساختمانی نظیر ضوابط ساخت و ساز و صنعت گردشگری و ... را از موفقیت‌های مدیران محلی اعلام نمودند.

مطابق جدول و بر اساس مطالب مطروحه در قبل، آنچه سبب شده است دهیار یا مدیریت محلی نتواند درمقابل بی-سازمانی و نابسامانی ساخت و سازها در روستاها مطابق قانون یا طرح هادی مقاومت کند، عموماً به سبب تعارض قوانین و نفوذ و اعمال قدرت است.

جدول ۴. آسیب‌های عمرانی - کالبدی

درصد معیارهای مورد بررسی					
جمع	اظهارنشده	خیر	بلی	پاسخگویان	عوامل عمرانی - کالبدی
۱۰۰	-	۱۶	۸۴	دهیار	توسعه زیرساخت‌ها
۱۰۰	۴٫۷	۶٫۸	۸۸٫۴	مردم	
۱۰۰	-	۲۶٫۷	۷۲	دهیار	نقش دهیار در تهیه طرح هادی
۱۰۰	۴٫۷	۱۲٫۶	۸۲٫۷	مردم	
۱۰۰	-	۶۲٫۷	۳۷٫۳	دهیار	رضایت از اجرای طرح هادی روستایی
۱۰۰	۴٫۷	۱۸٫۹	۷۶٫۳	مردم	
۱۰۰	۱٫۳	۱۶	۸۲٫۷	دهیار	عمران کشاورزی
۱۰۰	۴٫۷	۲۲٫۶	۷۲٫۶	مردم	
۱۰۰	-	۲٫۷	۹۷٫۳	دهیار	شیوه بهره‌برداری از منابع طبیعی
۱۰۰	۶٫۸	۵٫۳	۸۷٫۹	مردم	
۱۰۰	۴	۳۶	۶۰	دهیار	مالکیت زمین‌های روستایی
۱۰۰	۴٫۷	۱۳٫۹	۸۱٫۳	مردم	
۱۰۰	۶٫۷	۱۲	۸۱٫۳	دهیار	عمران روستایی
۱۰۰	۴٫۷	۴٫۲	۹۱٫۱	مردم	
۱۰۰	۱٫۳	۲۶٫۷	۷۲	دهیار	اجرای امور زیربنایی
۱۰۰	۴٫۷	۱۱٫۸	۸۳٫۴	مردم	
۱۰۰	۴	۵۲	۴۴	دهیار	مسایل مربوط به پروانه‌های ساختمانی
۱۰۰	۴٫۷	۲۳٫۲	۷۲٫۱	مردم	
۱۰۰	۲٫۷	۳۳٫۳	۶۴	دهیار	موانع حقوقی و محلی اجرای طرح‌های زیربنایی
۱۰۰	۴٫۷	۱۶٫۱	۷۹٫۲	مردم	
۱۰۰	۲٫۷	۲۱٫۳	۷۶	دهیار	مالکیت منابع و تغییرات در روستا
۱۰۰	۴٫۷	۲٫۶	۹۲٫۶	مردم	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

آسیب‌های زیست محیطی

روستا عمدتاً یک واحد همگن طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که از یک مرکز جمعیت و محل کار و سکونت دایم اعم از متمرکز یا پراکنده با حوزه و قلمرو معین ثبتي یا عرفی مستقل تشکیل می‌شود و بیش‌تر ساکنان شاغل دایمی آن به طور مستقیم و غیر مستقیم به یکی از فعالیت‌های اصلی کشاورزی و صیادی و صنایع دستی و یا

ترکیبی از این فعالیت‌ها اشتغال دارند اما متأسفانه امروزه هر چه زمان می‌گذرد عواملی از قبیل افزایش چشم‌گیر جمعیت، تغییر نیاز انسان‌ها و تغییر سبک زندگی، ورود تکنولوژی، رونق کشاورزی، دامداری و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی سبب شدند به رغم توجهی که رهبران مذهبی و سیاسی جامعه به حفظ محیط زیست و منابع طبیعی دارند سطح وسیعی از چشم‌اندازهای طبیعی و محیط زیست در روستاها در اثر بی‌توجهی و عدم آگاهی کافی دچار چالش باشند. وقتی از محیط زیست و تخریب آن صحبت می‌شود، ناخودآگاه ذهن‌ها به طرف انسان کشیده می‌شود. این درحالی است که محیط زیست برای بقای نسل بشر آفریده شده است و پیوندی ناگسستنی میان انسان و طبیعت وجود دارد، طبیعتاً خود انسان‌ها بیش‌ترین نقش را در حفظ و یا تخریب آن می‌توانند داشته باشند، در حالی که با توجه به نقش حیاتی و کلیدی محیط زیست در زندگی، همواره انسان به عنوان مهم‌ترین تخریب‌گر محیط زیست هم در مناطق شهر و هم روستایی شناخته شده است.

تنوع طبیعی و زیستی استان گیلان با وجود همه ویژگی‌های خود، شکننده، تأثیرپذیر و گاه برهم‌زننده چرخه‌ی زیستی انسانی و طبیعی است که در همین راستا در مدیریت روستایی مشکلاتی را پدید می‌آورد. ۹۷,۳٪ پاسخگویان پسماندها، زباله‌ها، فاضلاب خانگی و صنعتی را مخرب زیست محیط دانسته، ۹۴,۷٪ آنان تخریب جنگل‌ها و مراتع، ۹۴,۷٪ آنان سیلاب‌ها و ۹۲٪ نیز استفاده از آلاینده‌های کشاورزی (کود، سم و ...)، آلودگی‌های ناشی از اصلاح و افزایش زمین و آلودگی آب‌های سطحی و زیرسطحی از مسایل زیست محیطی بوده و موجب تخریب آنها می‌گردد را از دیگر آسیب‌های زیست‌محیطی برشمردند. به‌کارگیری آلاینده و یا ورود برخی منابع غذایی جدید مثل آذوقه که خود به معضلی برای کشاورزان تبدیل شد، بروز سیلاب‌ها و از طرف دیگر ناتوانی شوراها در حل مشکلات زیست‌محیطی می‌تواند مانعی بزرگ بر سر راه برنامه‌های توسعه روستایی باشد.

جدول ۵. آسیب‌های زیست‌محیطی

درصد معیارهای مورد بررسی					
جمع	اظهارنشده	خیر	بلی	پاسخگویان	عوامل زیست محیطی
۱۰۰	۱,۳	۶,۷	۹۲	دهیار	مسائل زیست محیطی
۱۰۰	۲,۱	۲,۶	۹۵,۳	مردم	
۱۰۰	-	۲,۷	۹۷,۳	دهیار	وجود پسماندها، زباله‌ها، فاضلاب خانگی/صنعتی
۱۰۰	۲,۱	۶,۸	۹۱,۱	مردم	
۱۰۰	۱,۳	۴	۹۴,۷	دهیار	تخریب جنگلها / مراتع
۱۰۰	۲,۱	۲,۱	۹۵,۸	مردم	
۱۰۰	۱,۳	۶,۷	۹۲	دهیار	استفاده از آلاینده‌های کشاورزی، آلودگی‌های ناشی از اصلاح و افزایش زمین و آلودگی آب‌های سطحی و زیرسطحی
۱۰۰	۲,۱	۴	۹۴,۷	دهیار	سیلاب‌ها
۱۰۰	۲,۱	۴,۷	۹۳,۲	مردم	
۱۰۰	-	۸	۹۲	دهیار	آسیب‌های مربوط به راه سازی
۱۰۰	۲,۱	۴,۲	۹۳,۷	مردم	(انفجارها و تخریب جنگل‌ها)

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی

توجه به ورزش و سلامت روستاییان، حفظ سلامتی و بهداشت محیط روستاها، اهتمام در ثبت وقایع حیاتی (تولد، مرگ، ازدواج، طلاق)، برگزاری مراسم و اردوهای فرهنگی - مذهبی شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی مورد توجه دهیاران، با توجه به وظایف آنهاست.

جدول ۶. آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی

آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی	درصد معیارهای مورد بررسی			اظهار نشده	جمع
	پاسخگویان	بلی	خیر		
فقدان روحیه فرهنگ توسعه	دهیار	۶۹/۳	۲۶/۷	۴/۰	۱۰۰
	مردم	۷۴/۵	۲۵/۳	۳/۰	۱۰۰
ضعف اعتماد اجتماعی	دهیار	۸۶/۷	۸/۰	۵/۳	۱۰۰
	مردم	۸۱/۱	۱۴/۲	۴/۷	۱۰۰
شکاف نسلی	دهیار	۸۴/۰	۱۳/۳	۲/۷	۱۰۰
	مردم	۹۰/۵	۹/۲	۰,۳	۱۰۰
تاسیسات فرهنگی	دهیار	۲۴	۷۶	-	۱۰۰
	مردم	۶/۸	۹۳/۲	-	۱۰۰
غیرهدفمند کردن برنامه‌های فرهنگی	دهیار	۷۶/۰	۲۱/۳	۲/۷	۱۰۰
	مردم	۶۶/۳	۳۳/۷	-	۱۰۰
باورها و اعتقادات	دهیار	۴۵/۳	۵۳/۳	۱/۳	۱۰۰
	مردم	۴۷/۹	۵۲/۱	-	۱۰۰
قدرت‌های موازی یا اثرگذار	دهیار	۷۳/۳	۲۱/۳	۵/۳	۱۰۰
	مردم	۵۶/۳	۴۳/۴	۰,۳	۱۰۰
سوابق برنامه‌ها و طرح‌ها و علل ناکامی آنها	دهیار	۷۶	۲۲,۷	۱,۳	۱۰۰
	مردم	۵۸,۲	۴۱,۵	۰,۳	۱۰۰
ضعف نظام بهداشتی	دهیار	۸۲/۷	۱۷/۳	-	۱۰۰
	مردم	۱۰۰	-	-	۱۰۰
مهاجرت معکوس و نقش دینفوذان جدید	دهیار	۶۸/۰	۳۲/۰	-	۱۰۰
	مردم	۵۸,۲	۴۱,۵	۰,۳	۱۰۰
تفاوت‌های مکانی	دهیار	۵۷,۳	۴۰	۲,۷	۱۰۰
	مردم	۸۵,۳	۸,۴	۶,۳	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

به نظر ۶۹,۳٪ دهیاران فقدان روحیه فرهنگ توسعه (میل به توسعه، تمایل به کسب علم، نگرش علمی، نظم‌پذیری جمعی، تدبیر عقلانی در امور معیشت و دنیایی، مشارکت و نقش زنان، احساس توانایی)، ۸۶,۷٪ پاسخگویان ضعف اعتماد اجتماعی را که شامل: (۱) بین مردم نسبت به مدیریت روستا (۲) مدیریت روستا نسبت به مدیریت کلان توسعه روستاییست، به عنوان آسیب مدیریت روستایی مطرح کرده و از آن به عنوان چالش یاد می‌کنند. همچنین ۸۴٪ پاسخگویان شکاف نسلی، ۷۶٪ پاسخگویان نبود تاسیسات فرهنگی (کتابخانه، مدرسه، سالن تئاتر، پایگاه بیسج و ...)، ۷۶٪ پاسخگویان غیرهدفمند کردن برنامه‌های فرهنگی (جشنواره های فرهنگی و کشاورزی)، ۴۵,۳٪ اعتقاد به باورها، ۷۳,۳٪ پاسخگویان نیز وجود قدرت‌های موازی یا اثرگذار، ۸۲,۷٪ پاسخگویان معتقدند که ضعف نظام بهداشتی (مرکز یا خانه بهداشت، نیروی انسانی متخصص، امکانات و تجهیزات) و ۶۸٪ پاسخگویان مهاجرت معکوس و نقش دینفوذان جدید را از آسیب‌های وارده بر مدیریت روستایی می‌دانند.

تفاوت‌های مکانی نظیر بالامحله و پایین محله، یکی دیگر از مشکلات اصلی مردم است که سبب ضربه زدن به مدیریت محلی است. به عبارتی مثلا ممکن است مدیران محلی در بالامحله یک روستا ساکن باشند، در نتیجه بیشتر

امکانات و اعتبارات اختصاص یافته روستا به بالامحله اختصاص می‌یابد و این گزینه از نظر ۵۷,۳٪ دهیاران و ۸۵,۳٪ مردم تایید شده است.

روستاهای امروزین استان به‌ویژه شهرهایی که از ساحل و کوهستان برخوردارند، با چند مشکل فرهنگی مواجه‌اند: نخست فرهنگ مهاجرین که مهاجرت معکوس داشته‌اند؛ علیرغم ریشه‌دار بودن در فرهنگ بومی، بدلیل فاصله زمانی، خود مروج فرهنگ جدید، که خود ترکیبی از فرهنگ شهر و روستاست را وارد روستا می‌کنند. دوم مهاجرینی که غیربومی بوده و وارد شهرستان شده‌اند. در این خصوص به دلیل مالکیت بر زمین‌ها و مساکن روستایی که غیربومیان از آن خود کرده‌اند و به منش و روش فرهنگی خود در محیط حاضر می‌شوند که هم شکاف طبقاتی را نمایان‌تر می‌کنند که سرخوردگی‌های اجتماعی و تنش‌های خانوادگی بومیان را به دنبال دارد؛ هم ادبیات، پوشش، نظام مصرفی در روستاها را ارایه می‌کند که به پیدایش فرهنگ جدید در روستاها منجر شده است. ضمن آنکه عمیقاً وضعیت و ساختار جغرافیایی روستا را به چالش کشیده‌اند و فرهنگ عمومی را دچار تعارض ساختاری کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

نظام ساختاری عملکردی کنونی مدیریت روستایی کشور، گویای این است که مدیریت روستایی با وجود نهادسازی و استقرار نهاد دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی، همواره با نگاهی بالا به پایین، با روستا و روستاییان روبه‌رو شده و مردم در هیچ سطحی از فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه‌ی سرزمین خود دخالت و مشارکت داده نمی‌شوند. فقدان الگوی حکمروایی خوب روستایی که می‌تواند زمینه ساز حضور و مشارکت فعال مردم در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی باشد، بسیار کم‌رنگ بوده و یا در اغلب روستاها دیده نمی‌شود. این نوع نگرش و رویکرد سنتی حاکم بر ساختار مدیریت روستایی کشور، بدون در نظر گرفتن نقش و جایگاه مردم، نه تنها در راستای تحقق اصول توسعه‌ی پایدار روستایی حرکت نخواهد کرد بلکه همواره به عنوان یک اصل بازدارنده در توسعه‌ی پایدار روستایی عمل خواهد کرد و تمامی برنامه‌های مربوط به توسعه و عمران سکونتگاه‌های روستایی کشور را بی‌نتیجه خواهد گذاشت.

مدیریت مهم‌ترین عامل در حیات، رشد، بالندگی و یا مرگ یک جامعه است و روند حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل می‌کند. روستاها به منزله‌ی نخستین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و اسکان انسان‌ها، سازمان اجتماعی و مدیریتی خاص خود را داشته‌اند. الگوی جدید مدیریت روستایی در ایران در محورهای مدیریت زمین و تولید کشاورزی، مدیریت زیرساخت‌ها و خدمات زیربنایی، مدیریت مالی و نظام درآمد هزینه برای روستاها، مدیریت محیط زیست و توسعه‌ی پایدار و برقراری عدالت اجتماعی قابل بررسی است. مدیریت روستایی در واقع، فرآیند سازماندهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست. شهرستان رضوانشهر، در ابعاد مختلف، آسیب‌هایی را در مدیریت روستایی شاهد است که یافته‌ها حاکی از آن است که:

تنوع طبیعی و زیستی استان گیلان با وجود همه ویژگی‌های خود، شکننده، تأثیرپذیر و گاه برهم‌زننده چرخه‌ی زیستی انسانی و طبیعی است. در همین راستا در مدیریت روستایی مشکلاتی را پدید می‌آورد. در این خصوص ۹۴ درصد از دست‌اندرکاران روستایی و مردم اذعان می‌دارد که برخی طرح‌های توسعه منجر به آلودگی بیشتر و تخریب گسترده‌تر محیط زیست می‌شود (پسماندهای خانگی، صنعتی و ...) و گاه منابع اصلی تأمین مواد غذایی دام‌ها و خودشان را از آنها دریغ می‌کند و محدود سازی جنگل‌ها و مراتع، تخریب جنگل یا اجرای طرح‌های احیای جنگل و ایجاد جاده‌های مربوط به معادن، بهداشت روستا، زباله و ... از این‌گونه عوامل محسوب شده که باعث می‌شوند مدیریت روستایی نمی‌تواند به اجرای طرح‌های جدید و توسعه متوازن همت گمارد. به‌کارگیری آلاینده و یا ورود برخی منابع غذایی جدید مثل آزولا که خود به معضلی برای کشاورزان تبدیل شد، بروز سیلاب‌ها و از طرف دیگر ناتوانی شوراها در حل مشکلات زیست‌محیطی می‌تواند مانعی بزرگ بر سر راه مدیریت روستایی باشد. پیشنهادها بشرح زیر است:

- برگزاری دوره‌های آموزشی برای دهیاران و اعضای شورای اسلامی جهت آشنایی به قوانین حقوقی و اجرایی مدیریت روستا و وظایف آنها و همچنین انتخاب افراد بومی ساکن در روستا برای مدیریت روستایی و تغییر برخی قوانین دست و پاگیر؛
- ارائه خدمات اولیه تولید به روستاییان با قیمت بسیار پایین، تغییر منابع درآمدی روستا در راستای بهبود کیفیت زندگی روستاییان، جلوگیری از مهاجرت و فروش زمین به غیربومیان و حفظ آداب و سنن روستاییان و بافت سنتی روستاها؛ و
- تغییر نگرش مدیران محلی و همچنین مدیران سازمانی نسبت به همکاری با یکدیگر و قبول مدیران محلی توسط مدیران سازمانی و ارگان‌های دولتی.

سپاسگزاری

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی بوده که در گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت از آن دفاع شده است.

منابع

- ایمانی جاجرمی، حسین؛ عبداللهی، مجید، ۱۳۸۸، بررسی تحولات مدیریت روستایی در ایران از مشروطیت تا زمان حاضر، فصلنامه راهبرد / سال هجدهم / شماره ۵۲ / پاییز: ۲۴۴-۲۲۱
- ایمانی جاجرمی حسین، فیروزآبادی سیداحمد، ۱۳۸۶، بررسی مدل‌های سنجش عملکرد مدیریت محلی: با تاکید بر سازمان‌های مدیریت شهری و روستایی در ایران، نامه علوم اجتماعی؛ زمستان، دوره ۱۵ شماره ۳۲: ۱۱۱-۹۱
- بدری، سیدعلی، موسوی، سیدعارف، ۱۳۹۰، مدیریت نوین روستایی، در جستجوی راهکاری مناسب برای توسعه دهیاری‌ها، موسسه انتشاراتی فرهنگی اشتیاق نور، چاپ اول.
- بهشتی، محمدباقر، ۱۳۷۲، بررسی بهره‌وری در سازمان‌های دولتی ایران، همایش بررسی مسایل اداری ایران، دانشگاه علامه طباطبایی - تهران.
- تودارو، مایکل، ۱۳۷۶، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، نشر سازمان برنامه و بودجه.
- حقیقی، محمدعلی، ۱۳۷۸، تئوری‌های مدیریت، تهران، نقش مهر.
- حمدالله سجاسی؛ یعقوب اسفرم، مهناز رهبری ۱۳۹۶، تحلیل نقش مدیریت محلی در کاهش آسیب پذیری کالبدی با رویکرد حکمروایی خوب (مطالعه موردی: دهستان بهمئی سرحدی غربی)، مقاله ۸، دوره ۴، شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۵، پاییز، ۴۰۵-۴۲۶.
- خلیلی شورینی، سهراب ۱۳۸۰، فرهنگ فراگیری دانش مدیریت، انتشارات یادواره کتاب.
- رضائیان، علی، ۱۳۸۰، اصول مدیریت، انتشارات سمت.
- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳ مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران چاپ چهارم، نشر قومس.
- رضوانی، محمدرضا، مدیریت نهادهای محلی، ۱۳۸۶، ماهنامه دهیاری‌ها، شماره ۲
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، حمدالله سجاسی قیداری و طاهره صادق‌لو ۱۳۸۶؛ مدیریت چالش‌های روستایی: جوامع روستایی و رویارویی با چالش تغییر؛ دومین همایش ملی توسعه روستایی ایران، موسسه توسعه روستایی ایران؛ دانشگاه تهران، تالار علامه امینی، ۱۱-۱۲ دی‌ماه ۱۳۸۶ (ارائه و چاپ).
- زیاری، یوسف، ۱۳۸۴، بررسی عملکرد شوراهای اسلامی شهر در مدیریت شهری، نشریه مدیریت، شماره ۳، صص ۲۰-۳۴.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۶، دایره المعارف علوم اجتماعی، ج ۲، انتشارات کیهان، تهران.
- سجاسی، یعقوب اسفرم و مهناز رهبری، ۱۳۹۶، تحلیل نقش مدیریت محلی در کاهش آسیب پذیری کالبدی با رویکرد حکمروایی خوب (مطالعه موردی: دهستان بهمئی سرحدی غربی)، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، دوره ۴، شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۵ پاییز ۱۳۹۶

- شهبازی، اسماعیل؛ شریفی تهرانی، عباس، ۱۳۹۰، آسیب‌شناسی مدیریت روستا، فصلنامه علمی - پژوهشی روستا و توسعه، سال چهاردهم، بهار، شماره ۱.
- فروند، ژولین ۱۳۶۸، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، نشر رایزن، چاپ اول، تهران.
- قنبری، نوذر و آسایش، حسین، ۱۳۸۷، مقدمه‌ای بر اقتصاد روستایی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه، کازمی پور چینجان، لیلا، ۱۳۸۵، نقش مدیریت محلی (دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی) روستاها در توسعه روستایی شهرستان رودسر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- کریمی، بهرام، ۱۳۸۶، ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه روستایی (مطالعه موردی: بخش کندوان در شهرستان میانه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران.
- کوچکیان فرد، حسین، ۱۳۸۶، چالش‌های فرآوری روابط شورای اسلامی روستا و دهیاری، ماهنامه دهیاری‌ها، شماره ۲۱، خرداد ۱۳۸۶.
- گولد جولوس/کلب ویلیام، ۱۳۷۶، فرهنگ علوم اجتماعی، ویراستار فارسی محمد جواد زاهدی مازندرانی، تهران: انتشارات مازیار.
- عظیمی، حسین، ۱۳۷۸، ایران امروز در آینده مباحث توسعه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی - تهران.
- لهسایی زاده، عبدالعلی ۱۳۸۸، مدیریت روستایی در ایران معاصر، مجله تعاون، سال ۲۰، شماره ۲۰۲ و ۲۰۳، ص ۱۸
- محمدزاده، سعید، امید مهرباب قوچانی، ۱۳۹۵، آسیب‌شناسی مدیریت مشارکتی؛ با تأکید بر سیستم مدیریتی سازمان‌های کشور، پنجمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز، تهران، همایشگران مهر اشراق: https://www.civilica.com/Paper-MOCONF05-MOCONF05_274.html
- مسرور نژاد، ناصر، ۱۳۸۵-۱۳۸۴، عملکرد مدیریت روستایی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی شهرستان صومعه‌سرا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- ملکان، احمد، ۱۳۹۰، بررسی مدیریت روستایی در ایران با تأکید بر نقش شورا و دهیاری، ماهنامه دهیاری‌ها، شماره ۳۵، صص ۷-۱۱.
- منصورنژاد، محمد ۱۳۷۹، دین و توسعه، موسسه نشر علوم نوین، تهران.
- مولایی‌هشجین، نصراله؛ ۱۳۹۱، مدل و الگوی پیشنهادی مدیریت روستایی در استان گیلان، همایش ملی توسعه روستایی، استاندارگیلان/جهاد دانشگاهی، رشت.
- میرمحمدی سیدسعیدی، ۱۳۹۴، شوراها، مدیریت محلی و مدیریت شهری، کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری؛ دانشگاه آزاد تهران شمال.
- مدنی، امیرباقر، ۱۳۷۲، ویژگی‌های ساختاری و رفتاری در نظام اداری ایران، همایش دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- محبوب الحق، ۱۹۹۸، مردم و توسعه، ترجمه عزیز کیارند، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۹.
- نائیجی، مصطفی، ۱۳۸۹، نقش آموزش دهیاران در توسعه روستایی، مطالعه موردی دهیاری‌های بخش چمستان، شهرستان نور، دومین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، تهران، دانشگاه تهران.
- Kerr, K. 1994 Repercussion de la reforme de securitesociale sur le monde rural seminaries de gulf, universite de gul.
- Graham K. Kenny. 1983 The Effectiveness of Participative manayement InternationaL journal of manpower. Vol 4. P 9-17.
- Zhang, Xiaobo; Shenggen Fan, Linxiu Zhang, and Jikun Huang (2003) Local Governance and Public Goods Provision in Rural China. CCAP2(3), 240-240.